

The Foundations of Chastity in the Qur'an and Ḥadīth: With an Emphasis on Its Individual and Social Functions

Razieh Sadeghi ¹, Fatemeh Dast Ranj ², Ali Hasan beygi ³

1. M.A. Student, Qur'an and Hadith Studies, Arak University, Arak, Iran sadeghi.r6654@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Arak University, Arak, Iran (Corresponding Author)
f-dastranj@araku.ac.ir

3. Professor, Department of Theology, Arak University, Arak, Iran a-hasanbagi@araku.ac.ir

Research Article



Abstract

Chastity, as one of the foundational values in the Islamic moral system, is a multidimensional concept rooted in Qur'anic teachings and ḥadīth traditions. This value, signifying self-restraint, purity, and adherence to divine limits, not only safeguards human dignity but also regulates social relations along healthy and ethically grounded lines. A chaste mode of life, as a balanced paradigm of living, has acquired particular significance in contemporary Islamic societies by fostering moral self-awareness and resistance against countercultural pressures. The article seeks to elucidate the Qur'anic and ḥadīth-based foundations of chastity and to examine its functions in individual and social life, with the aim of presenting a coherent framework for employing this value in addressing moral and social challenges, as well as proposing strategies for its reinforcement against cultural threats. Employing a descriptive-analytical method, the author concludes that the foundations of chastity in the Qur'an and ḥadīth consist of faith, God-consciousness (taqwā), self-restraint, self-knowledge, and purification of the soul. These foundations transform chastity into both an educational and a social strategy: on the individual level, it leads to psychological tranquility, reduction of anxiety, enhancement of self-esteem, and avoidance of high-risk behaviors; on the social level, chastity, by establishing clear behavioral boundaries, strengthens public trust and social security while reducing harms such as betrayal, harassment, and moral deviance. These findings demonstrate the pivotal role of chastity in sustaining the family, reinforcing cultural cohesion, and confronting challenges such as the penetration of non-Islamic cultures and the weakening of traditional institutions.

Keywords: Foundations of Chastity; Qur'an and Ḥadīth; Faith; God-consciousness (Taqwā); Self-Knowledge; Self-Restraint; Self-Purification

Received: 2025-04-29 | Received in revised form: 2025-07-25 | Accepted: 2025-08-18 | Published online: 2025-06-22

◆ How to cite: Sadeghi, Razieh, Dašt Ranj, Fatemeh, Hasan beygi, Ali (1404SH): The Foundations of Chastity in the Qur'an and Ḥadīth: With an Emphasis on Its Individual and Social Functions, *quran and social sciences*, 2(18), p100-127, [10.22034/arq.2025.519758.1472](https://doi.org/10.22034/arq.2025.519758.1472)

©2025. Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



arq.quran.ac.ir

مبانی عفاف در قرآن و روایات با تأکید بر کارکردهای فردی و اجتماعی

راضیه صادقی^۱ ID، فاطمه دسترنج^۲ ID، علی حسن بیگی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران | sadeghi.r6654@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول) | f-dastranj@araku.ac.ir

۳. استاد، گروه الهیات، دانشگاه اراک، اراک، ایران | a-hasanbagi@araku.ac.ir

پژوهشی



چکیده

عفاف یکی از ارزش‌های بنیادین در نظام اخلاقی اسلام، مفهومی چندبعدی است که ریشه در آموزه‌های قرآنی و روایات دارد. این ارزش که به معنای خودکنترلی، پاک‌دامنی و پابندی به حدود الهی است، نه تنها کرامت انسانی را حفظ می‌کند بلکه روابط اجتماعی را در مسیری سالم و اخلاق مدار تنظیم می‌نماید. زیست عفیفانه، به‌عنوان الگویی متعادل برای زندگی، با تقویت خودآگاهی اخلاقی و مقاومت در برابر فشارهای ضد فرهنگی، در جوامع اسلامی معاصر اهمیتی ویژه یافته است. این نوشتار درصدد تبیین مبانی قرآنی و روایی عفاف و بررسی کارکردهای آن در زندگی فردی و اجتماعی است تا چارچوبی منسجم برای بهره‌گیری از این ارزش در حل مسائل اخلاقی و اجتماعی ارائه دهد و راهکارهایی برای تقویت آن در برابر چالش‌های فرهنگی پیشنهاد کند. نگارنده در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیده که مبانی عفاف در قرآن و روایات شامل ایمان، تقوا، خویش‌نظمی، خودشناسی و تهذیب نفس است. این مبانی، عفاف را به راهبردی تربیتی و اجتماعی تبدیل می‌کنند که در بعد فردی، آرامش روانی، کاهش اضطراب، افزایش عزت‌نفس و دوری از رفتارهای پرخطر را به دنبال دارد. در بعد اجتماعی، عفاف با ایجاد مرزهای روشن رفتاری، اعتماد عمومی و امنیت اجتماعی را تقویت کرده و آسیب‌هایی مانند خیانت، مزاحمت و ناهنجاری‌های اخلاقی را کاهش می‌دهد. این نتایج نشان‌دهنده نقش کلیدی عفاف در پایداری خانواده، انسجام فرهنگی و مقابله با چالش‌هایی مانند نفوذ فرهنگ‌های غیر اسلامی و تضعیف نهادهای سنتی است.

کلیدواژه‌ها: مبانی عفاف، قرآن و روایات، ایمان، تقوی، خویش‌نظمی، خودشناسی، تهذیب نفس.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

◆ استناد به این مقاله: صادقی، راضیه؛ دسترنج، فاطمه؛ حسن بیگی، علی (۱۴۰۴): «مبانی عفاف در قرآن و روایات با تأکید بر کارکردهای فردی و اجتماعی»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۲(۱۸)، ۱۰۰-۱۲۷. 10.22034/arq.2025.519758.1472

۱. مقدمه

عفاف به عنوان یکی از ارزش های اخلاقی و دینی، جایگاه ویژه ای در آموزه های اسلامی دارد. این مفهوم در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به صورت گسترده مورد تأکید قرار گرفته و عاملی برای حفظ کرامت انسانی، استحکام خانواده و سلامت جامعه معرفی شده است. امام علی (ع) عفاف را راهی برای تهذیب نفس و حفظ عزت انسانی معرفی کرده اند (نهج البلاغه: ۱۹۱). روایات اسلامی نیز بر نقش عفاف در تقویت سلامت روانی و اجتماعی تأکید دارند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۷۹؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ۸: ۲۷۰)؛ بنابراین عفاف یکی از ارزش های بنیادین در نظام اخلاقی اسلام، جایگاهی محوری در آموزه های قرآنی و روایی دارد و به معنای خودکنترلی، پاک دامنی و پابندی به حدود الهی تعریف می شود (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۲: ۳۱۱). این مفهوم در آیات متعدد قرآن کریم، از جمله آیات ۲۴ الی ۳۰ سوره نور، ۵۹ سوره احزاب و ۲۰ سوره مریم، به عنوان اصلی برای حفظ کرامت انسانی و تنظیم روابط اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، عفاف را فضیلتی می داند که نه تنها به تعالی فرد کمک می کند بلکه از انحطاط اخلاقی جامعه جلوگیری می کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۲: ۳۱۱).

عفاف در نظام تربیتی اسلام، فراتر از یک صفت فردی، به مثابه یک راهبرد اخلاقی و اجتماعی عمل می کند. قرآن کریم این مفهوم را به گونه ای تبیین کرده که هم جنبه های درونی (مانند خویش داشتن داری و تهذیب نفس) و هم جنبه های بیرونی (مانند رعایت حریم ها و تنظیم روابط اجتماعی) را در برمی گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱۴: ۱۵۵). برای مثال، دستور به پایین آوردن نگاه و حفظ پوشش در سوره نور، عفاف را به عنوان یک اصل رفتاری معرفی می کند که روابط میان افراد را در جامعه اسلامی تنظیم می کند (قاضی زاده و احمدی سلمانی، ۱۳۸۶: ۹۰). همچنین، تأکید بر رعایت حدود الهی در سوره احزاب، عفاف را به عنوان ارزشی اجتماعی برجسته می سازد که به انسجام و سلامت جامعه کمک می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۰: ۲۸۷). این ویژگی ها نشان دهنده

نقش چندبعدی عفاف در تقویت سلامت روانی و اجتماعی است (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۰).

در جهان معاصر، جوامع اسلامی با چالش‌های متعددی در حوزه اخلاق و رفتار مواجه‌اند که عفاف می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل تربیتی و فرهنگی به آن‌ها پاسخ دهد. گسترش سبک‌های زندگی غیرمتعارف، تضعیف نهاد خانواده و فروپاشی مرزهای اخلاقی ازجمله این چالش‌ها هستند (احمدی، ۱۳۹۹: ۴۸؛ صبوری، ۱۳۹۸: ۲۵). تأثیر فرهنگ‌های بیگانه و رسانه‌های جهانی، ارزش‌های سنتی مانند عفاف را به حاشیه رانده و به افزایش آسیب‌های اجتماعی، نظیر کاهش اعتماد در روابط خانوادگی و شیوع ناهنجاری‌های رفتاری، منجر شده است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۵) برای مثال، ترویج مصرف‌گرایی و لذت‌جویی در رسانه‌ها، جوانان را از ارزش‌های اخلاقی مانند خودکنترلی دور کرده است (لیوینگستون و هلپر، ۱۳۹۶: ۶۷۵). در این شرایط، بازگشت به مفاهیم قرآنی مانند عفاف می‌تواند به تقویت خودآگاهی اخلاقی و مقاومت در برابر فشارهای فرهنگی کمک کند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷).

عفاف نه تنها به حفظ فرد در برابر انحرافات اخلاقی کمک می‌کند بلکه به بهبود کیفیت روابط اجتماعی و کاهش آسیب‌های روانی منجر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳، ۱۲۰). پژوهش‌های روان‌شناختی نیز نشان داده‌اند که خودکنترلی که عفاف یکی از مصادیق آن است با سلامت روان، موفقیت تحصیلی و روابط بین‌فردی بهتر ارتباط دارد (تنگی، بامایستر و بون، ۱۳۸۳: ۲۸۰). در سطح اجتماعی، عفاف با تقویت حس مسئولیت‌پذیری، به کاهش تعارضات و افزایش اعتماد در جامعه کمک می‌کند (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۲). برای مثال، تأکید قرآن بر خویش‌داری در روابط اجتماعی، به کاهش ناهنجاری‌ها و تقویت انسجام اجتماعی منجر می‌شود (قربانیان و فشارکی، ۱۳۹۴: ۳۵).

با توجه به اهمیت عفاف در نظام ارزشی قرآن، تبیین مبانی این مفهوم و کارکردهای آن در حوزه‌های فردی و اجتماعی ضرورتی علمی و عملی دارد. پژوهش‌های پیشین، اگرچه به جنبه‌های اخلاقی و تربیتی عفاف پرداخته‌اند، کمتر به تحلیل

نظام‌مند مبانی قرآنی آن و نقش آن در حل مسائل معاصر توجه کرده‌اند (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۴؛ حق‌شناس، ۱۳۸۶: ۱۱۵). این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای جامع برای شناسایی مبانی عفاف در قرآن و روایات و بررسی کارکردهای آن را برجسته می‌سازد. تبیین این مبانی می‌تواند چارچوبی برای استفاده از عفاف در حل مسائل اخلاقی و اجتماعی ارائه دهد و به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در جوامع اسلامی کمک کند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۸).

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و تبیین مبانی عفاف در قرآن کریم و روایات بررسی کارکردهای آن در زندگی فردی و اجتماعی انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش این است: «مبانی عفاف در قرآن کریم و روایات چیست و چه کارکردهایی در سطح فردی و اجتماعی ایفا می‌کند؟» اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

۱. تحلیل مبانی قرآنی و روایی عفاف با تأکید بر جایگاه آن در نظام ارزشی اسلام.
۲. شناسایی کارکردهای فردی عفاف در تقویت خودآگاهی و سلامت روان.
۳. بررسی کارکردهای اجتماعی عفاف در بهبود روابط و کاهش آسیب‌های رفتاری.

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل منابع کتابخانه‌ای، آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر (مانند تفسیر المیزان، تفسیر نمونه و تفسیر تسنیم) و متون روایی است. داده‌ها به گونه‌ای بررسی شده‌اند که آیات مرتبط با عفاف استخراج و با استفاده از تفاسیر و روایات تحلیل شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱۴: ۱۵۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۰: ۲۸۰). این روش امکان فهم عمیقی از جایگاه عفاف در قرآن و ارائه تحلیلی نظام‌مند از کارکردهای آن را فراهم می‌کند.

انتظار می‌رود نتایج این پژوهش، با ارائه چارچوبی منسجم از مبانی قرآنی عفاف، به غنای ادبیات علمی در این حوزه کمک کند و راهکارهایی برای تقویت این ارزش در جوامع اسلامی ارائه دهد. این مطالعه می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده در زمینه کاربرد عفاف در حوزه‌های تربیتی و جامعه‌شناختی باشد (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۰).

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه مفاهیم اخلاقی اسلام، موضوع عفاف ازجمله فضایل بنیادینی است که پژوهش‌های مختلفی بدان پرداخته‌اند. بااین حال، اغلب این آثار به تحلیل مفهومی یا تربیتی عفاف محدود شده و کمتر به ساختار معنایی و کارکردهای فردی و اجتماعی آن در قرآن و روایات پرداخته‌اند.

در میان آثار بنیادین در حوزه اخلاق اسلامی، دو اثر مهم از شهید مطهری و آیت‌الله مکارم شیرازی جایگاه ویژه‌ای در بررسی مفهوم عفاف دارند. شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب (۱۳۴۲: ۱۴۵) با نگاهی فلسفی و اجتماعی به تبیین عفاف و حجاب پرداخته و آن را نه صرفاً محدود به پوشش ظاهری، بلکه به‌عنوان پایه‌ای اساسی در نظام تربیتی و اخلاقی اسلام معرفی می‌کند. وی عفاف را نیروی درونی تعدیل‌کننده غرایز می‌داند که در پایداری خانواده، سلامت اجتماعی و تربیت اخلاقی انسان نقش محوری دارد. تمرکز وی بیشتر بر جنبه‌های کاربردی و آسیب‌شناختی حجاب در جامعه معاصر است. در سوی دیگر، آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب اخلاق در قرآن (۱۳۸۴: ۱۲۴) با رویکردی جامع‌تر به فضایل اخلاقی، عفاف را در بستر نظام اخلاقی قرآن تحلیل می‌کند و آن را از اصول کلیدی در تنظیم روابط انسانی می‌داند. او با دسته‌بندی موضوعی آیات، عفاف را در پیوند با مفاهیمی چون تقوا، حیا و پاک‌دامنی بررسی می‌کند و بر آثار روانی و اجتماعی آن در زندگی مؤمنانه تأکید دارد. بااین حال، هر دو اثر علی‌رغم غنای محتوایی و جایگاه مرجع در ادبیات دینی، فاقد رویکرد روشمند در تحلیل زبان‌شناختی و ساختار معناشناختی واژگان قرآنی مرتبط با عفاف هستند. پژوهش حاضر در تبیین مفهوم عفاف با تمرکز و استخراج کارکردهای فردی و اجتماعی این مفهوم در متن قرآن، رویکردی نوآورانه اتخاذ کرده و بدین ترتیب خلأ تحلیلی موجود در آثار پیشین را پوشش می‌دهد.

بهجت پور و احمدی بیغش (۱۴۰۳) در پژوهش خود با بررسی سیاست‌گذاری‌های قرآن کریم در جامعه‌پذیری عفاف و حجاب فضای فرهنگی اجتماعی و سیر

نزول آیات آشکار داشت سیاست قرآن پیش از حجاب، منعطف بر تحقق زیست عفیفاً به عنوان هنجار در جامعه ایمانی بوده است. از این رو قرآن با تفکیک میان عفاف و پوشش و عدم تحمیل بار ایجاد عفاف بر حجاب، توجه به مراحل تحقق عفاف - از ارزش گذاری تا تثبیت هنجار سازی عفاف و پاک دامن - سیاست های ضروری پذیرش حکم پوشش را بیان کرده و با ایجاد نوعی انضباط ایمانی، بر پایه شخصیت اجتماعی مؤمنان، فرد و جامعه ای پوشیده را محقق می نماید.

رضایی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی نقش تربیتی خانواده در حجاب دختران، به طور ضمنی به عفاف اشاره کرده اند، اما تمرکز اصلی آنان بر نهاد خانواده و پوشش ظاهری است. پژوهش حاضر در مقایسه، با تمرکز مستقل بر مفهوم عفاف و تحلیل کارکردهای آن در سطوح فردی و اجتماعی، نوآورانه محسوب می شود.

احمدی سلمانی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «تأثیر زیست عفیفاً بر سلامت روان جوانان»، به طور مستقیم به بررسی ابعاد مختلف عفاف پرداخته اند و با تفکیک آن از حجاب، گستره این فضیلت را در زندگی انسانی نمایان ساخته اند. باین حال، پژوهش مذکور فاقد ساختار تحلیلی زبان شناختی و تمرکز بر کارکردهای اجتماعی است.

گچگینی (۱۳۹۸) در پایان نامه ای با عنوان «نقش تربیت دینی در نهادهای سازی زیست عفیفاً» با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیر عفت بر ساختار خانواده و سلامت جامعه پرداخته است. پژوهش حاضر، با ارائه رویکرد معناشناختی و تکیه بر محور عفاف در تحلیل واژگانی، گامی فراتر نهاده و چارچوب نظری دقیق تری ارائه می دهد.

پژوهش حاضر، با تمرکز بر مبانی قرآنی و روایی عفاف و تحلیل کارکردهای آن، خلأ روش شناختی مطالعات پیشین را پوشش داده و الگوی مفهومی تازه ای برای تفسیر این فضیلت اخلاقی ارائه می کند.

بررسی پژوهش های پیشین نشان می دهد که اغلب آثار مرتبط با عفاف، یا

رویکردی عمومی و اخلاقی به این مفهوم داشته‌اند، یا صرفاً به جنبه‌های تربیتی، فقهی یا پوششی آن پرداخته‌اند. گرچه آثاری همچون عفاف در آیات قرآن با نگاهی به روایات (قاضی زاده و احمدی سلمانی، ۱۳۸۶: ۴۵) و جایگاه اخلاقی عفت از منظر قرآن و روایات (نقیان، ۱۳۹۳) تلاش کرده‌اند ابعاد مختلف عفاف را در زندگی فردی و اجتماعی بررسی کنند؛ اما این مطالعات عمدتاً توصیفی بوده و فاقد چارچوب روشمند در تحلیل مفهومی هستند. واعظی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود با موضوع «بررسی راهکارهای درمان هیستریک از منظر قرآن و روانشناسی» بیان می‌دارند یاد خدا و ایمان به او مهم‌ترین راهکار درمان هیستریک است توجه به خانواده و فرزندان نیز مانع بروز اختلالات هیستریکی می‌شود حجاب، حفظ نگاه نیز فرد را از تحریک و روحیه هیستریکی دور می‌کند. از ازدواج نیز می‌توان به عنوان یک عامل مهم درمان هیستریک نام برد. تقوای الهی و انجام عباداتی مانند روزه و نماز نیز از هیستریک می‌کاهد و فرد را به سمت رضای الهی و دوری از اعمال ناپسند مانند هیستریک سوق می‌دهد. توبه نیز دیگر عامل مهم در درمان هیستریک است که سبب آرامش در فرد نیز می‌شود و فرد را از هیستریک دور می‌کند. رجوع به پزشک روان‌درمان نیز یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد زبان‌شناختی و تمرکز بر حوزه عفاف، به صورت نظام‌مند به واکاوی شبکه معنایی عفاف در قرآن و روایات پرداخته است. این پژوهش برای نخستین بار تلاش کرده است مفهوم عفاف را نه صرفاً به عنوان یک فضیلت فردی بلکه به عنوان سازوکار فرهنگی-اجتماعی در تنظیم روابط انسانی، تحلیل و تبیین کند.

از دیگر وجوه تمایز این پژوهش، تبیین کارکردهای عفاف در دو سطح فردی (مانند کنترل نفس، رشد اخلاقی و سلامت روانی) و اجتماعی (نظیر حفظ نظم اجتماعی، کرامت جمعی و پیشگیری از انحرافات رفتاری) است؛ موضوعی که کمتر در پژوهش‌های پیشین به صورت ساختارمند و مفهومی مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، پژوهش حاضر با ارائه الگویی تلفیقی از تحلیل معناشناختی

مفاهیم و کاربردهای اجتماعی-اخلاقی، شکاف موجود در ادبیات پژوهش درباره جایگاه کاربردی عفاف در متون اسلامی را پر می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی

عفاف در لغت به معنای خویشتن‌داری، پاک‌دامنی و پرهیز از آنچه عقل و شرع ناپسند می‌دانند، است. در لغت‌نامه لسان‌العرب، «عفاف» از ریشه «عَفَّ» به معنای خودداری از حرام و حفظ نفس از تمایلات ناپسند تعریف شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱: ۴۶۶). در اصطلاح دینی، عفاف به کنترل آگاهانه غرایز و امیال نفسانی در چارچوب عقل، شرع و اخلاق اشاره دارد که به رفتارهای سنجیده، پوشش مناسب و رعایت حریم در روابط اجتماعی منجر می‌شود (قاضی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۶: ۹۱). این مفهوم، فراتر از ظاهر، نوعی خودمهارگری درونی و سبک زندگی اخلاق‌مدار را ترویج می‌کند که در آیات قرآنی، مانند سوره نور، به‌عنوان پایه‌ای برای حفظ کرامت انسانی و سلامت جامعه معرفی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۱۴: ۱۵۵).

از منظر اهل بیت و علمای اخلاق، عفاف فضیلتی است که انسان را از انحرافات اخلاقی مصون می‌دارد و به تعالی معنوی هدایت می‌کند. در نهج‌البلاغه، امام علی (ع) عفاف را نشانه کرامت انسانی و راهی برای تهذیب نفس معرفی کرده‌اند (دشتی، ۱۳۸۸: ۴۹) همچنین علامه طباطبایی عفاف را عاملی برای حفظ عزت نفس و پیشگیری از انحطاط اخلاقی جامعه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۲: ۳۱۱). زیست عفیفانه الگویی رفتاری است که فرد با تکیه بر ایمان و عقل، در مواجهه با انگیزش‌های جنسی، رسانه‌ای و فرهنگی، رفتارهایی متین و در چارچوب اخلاق دینی بروز می‌دهد (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۰). این نوع زیست، هم کارکردهای فردی (مانند ارتقای سلامت روان و خودکنترلی) و هم کارکردهای اجتماعی (مانند کاهش آسیب‌های اخلاقی و تقویت انسجام فرهنگی) دارد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

تربیت عفیفانه فرایندی هدفمند است که از طریق نهادهای اجتماعی، مانند

خانواده و مدرسه، ارزش‌های عفاف را در فرد نهادینه می‌کند. این تربیت نه تنها به پیشگیری از انحرافات کمک می‌کند، بلکه راهبردی برای رشد معنوی و زیست اخلاق‌مدار در جوامع معاصر است (صبوری، ۱۳۹۸، ۲۵). برای مثال، آموزش حیا و خودکنترلی در خانواده، زمینه‌ساز نهادینه‌شدن عفاف در فرزندان می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱، ۶۴).

«مبانی» در لغت به معنای پایه‌ها و بنیان‌هایی است که چیزی بر آن استوار می‌شود. در *لسان‌العرب* «مبنا» به معنای اساس و ریشه تعریف شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۱۲: ۵۳). در اصطلاح علمی، مبانی به مجموعه اصول اعتقادی، اخلاقی و نظری اطلاق می‌شود که یک مفهوم یا رفتار بر آن‌ها مبتنی است (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۴). در این پژوهش، مبانی عفاف به اصول قرآنی و روایی اشاره دارد که ضرورت و چگونگی زیست عقیفانه را تبیین می‌کنند. این مبانی شامل ایمان، تقوا، خویش‌داری، خودشناسی و تهذیب نفس هستند که در آیات قرآن و سنت نبوی ریشه دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۳: ۱۲۰).

جمع‌بندی علمی مبانی عفاف روندی نظام‌مند را دنبال می‌کند که از تحلیل آیات قرآنی و تفاسیر معتبر آغاز شده و با استناد به منابع دست‌اول، مانند آثار علمای اخلاق و روایات، تکمیل می‌شود. این روند شامل شناسایی اصول قرآنی، تبیین نقش آن‌ها در شکل‌گیری عفاف و بررسی کارکردهای عملی آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۰: ۲۸۷). استناد به منابع دست‌اول، مانند تفسیر المیزان، بحارالانوار و کتاب «خودشناسی برای خودسازی»، اعتبار علمی این تحلیل را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۱۲: ۳۱۱؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۷۰: ۲۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۵).

مبانی عفاف در قرآن کریم و روایات

مبانی انتخاب‌شده برای تبیین مفهوم عفاف در این پژوهش، نه صرفاً بر اساس برداشت شخصی یا استقرای جزئی بلکه بر پایه تحلیل نظام‌مند متون قرآنی و روایی و با تکیه بر چارچوب معناشناسی واژگان دینی استخراج شده‌اند. در مرحله

نخست با تحلیل ساختار آیات مرتبط با عفاف، واژگان هم‌خانواده و مرتبط (نظیر غض بصر، حفظ فرج، تزکیه، تقوا، صبر، طهارت و غیره) بررسی شدند. به‌موازات این بررسی و تحلیل زبانی، از منابع معتبر تفسیری مانند تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۸: ۳۴۵)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۳: ۲۱۰)، تفسیر موضوعی جوادی آملی و آثار اخلاقی متأخر مانند آثار شهید مطهری و مصباح یزدی بهره گرفته شد تا مفاهیم بنیادینی که بیشترین بسامد و کارکرد معنایی را در رابطه با عفاف دارند، شناسایی شوند؛ در نتیجه این تحلیل تطبیقی، پنج مبنای اصلی استخراج شد:

- ایمان به‌عنوان شالوده ارتباط با خداوند و زمینه‌ساز التزام درونی به رعایت حدود عفاف،

- تقوا به‌مثابه پرهیز آگاهانه و سپری اخلاقی در برابر انحرافات،

- خویش‌داری به‌عنوان جلوه عملی عفاف در کنترل امیال و رفتار،

- خودشناسی به‌عنوان شرط آغازین برای آگاهی از گرایش‌های درونی و جهت‌دهی اخلاقی،

- و نهایتاً تهذیب نفس به‌عنوان فرایندی مستمر در اصلاح درونی، پالایش رفتاری و تثبیت فضایل اخلاقی.

انتخاب این مبانی با توجه به تکرار و تأکید آن‌ها در ساختار معنایی آیات، نقش آن‌ها در تحقق عفاف در دو سطح فردی و اجتماعی و تأیید آن‌ها در روایات و آثار علما صورت گرفته است. به‌عبارت دیگر، این پنج مؤلفه، شبکه‌ای معنادار از مفاهیم اخلاقی را شکل می‌دهند که به‌طور مستقیم در شکل‌گیری، تقویت و حفظ عفاف نقش دارند و از سایر مؤلفه‌های فرعی عفاف قابل تمایز و اولویت‌بندی هستند. بدین ترتیب، این مبانی هم برآمده از تحلیل نصوص دینی‌اند و هم با واقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی قابل تطبیق‌اند و می‌توانند به‌عنوان ستون‌های نظری تحلیل و سیاست‌گذاری فرهنگی در باب عفاف مورد استفاده قرار گیرند.

سیاست‌های قرآن در این مرحله که تقریباً با دعوت علمی پیامبر (ص) همراه

است تثبیت ارزش گذاری بر عفت ورزی و تقویت نشاط و استقامت مؤمنان در عرصه پاک دامنی فاصله دادن هر چه بیشتر آنان از محیط های غیردینی و غیراخلاقی و تنظیم رابطه مناسب افراد با اکثریت اجتماع را مدنظر داشته است (بهجت پور، بیغش، ۱۴۰۳: ۱۴۹).

الف) تحلیل مفاهیم مبانی عفاف

برای تحلیل زیست عقیفانه، درک دقیق مفاهیم ایمان، تقوا، خویشتن داری، خودشناسی و تهذیب نفس و تمایز آن ها ضروری است. این مفاهیم، هرچند در راستای تقویت عفاف هم افزایی دارند، از نظر ماهیت، سطح عمل و دامنه کاربرد تفاوت های مشخصی دارند. در ادامه، تعریف هر مفهوم، نقش آن در زیست عقیفانه و وجوه تمایز آن با سایر مفاهیم ارائه می شود.

خودشناسی: آگاهی درونی برای اصلاح نفس

خودشناسی، آگاهی از ضعف ها و توانایی های درونی، مقدمه ای برای اصلاح نفس و زیست عقیفانه است. قرآن کریم در آیه ۹ سوره شمس می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها»؛ هر کس نفس خود را پاکیزه کرد، رستگار شد، همچنین امام علی (ع) می فرماید: «المَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ»؛ خود شناسی، سودمندترین دو شناخت است. امام علی (ع) به دو نوع شناخت اشاره می دارند و خودشناسی را سودمندتر از آن دو می داند. عبدالواحد بن محمد آمدی، گردآورنده کتاب غررالحکم، این سخن را در کنار دیگر احادیث مشابه نقل کرده که نشان می دهد یکی از این دو شناخت، شناخت نفس است و دیگری یا شناخت خداوند (معرفت الله) یا شناخت بیرونی و جهان خارج است؛ ازاین رو خودشناسی در این بیان، یا به عنوان مقدمه ای برای خداشناسی مطرح می شود، یا برتر از شناخت های تجربی و بیرونی دانسته شده و به عنوان پایه ای برای تهذیب نفس و رشد معنوی معرفی می گردد (آمدی، ۱۳۷۵ق، ۱: ۸۷). به گفته آیت الله مصباح یزدی، خودشناسی زمینه ساز فضایل اخلاقی، از جمله عفاف، است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۵). خودشناسی، برخلاف ایمان و تقوا که به ترتیب به باور و عمل

مرتبط‌اند، بر شناخت درونی متمرکز است و پیش‌نیاز تهذیب نفس محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۲۰: ۱۸۰)

ایمان: پایه اعتقادی زیست عقیقانه

ایمان، باور قلبی به خداوند و ارزش‌های الهی است که انگیزه‌ای درونی برای رعایت حدود الهی ایجاد می‌کند. قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد. همچنین امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ»؛ حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار به نقل از امام کاظم (ع) بیان می‌دارد که این روایت نشان می‌دهد که حیا (یکی از پایه‌های عفاف است) سرچشمه‌اش از ایمان است؛ یعنی عفاف و پاک‌دامنی نه تنها عملی اخلاقی بلکه نتیجه‌ای طبیعی از ایمان عمیق محسوب می‌شوند. وقتی انسان ایمان داشته باشد، نفس او به‌طور خودجوش از فساد دوری می‌کند و در مسیر پاکی قرار خواهد گرفت؛ بنابراین، ایمان نقش زیربنایی و تنظیم‌گر زندگی عقیقانه را ایفا می‌کند (مجلسی، ۱۳۸۶، ۸: ۲۷۰). به گفته علامه طباطبایی، ایمان با تقویت نیروی تشخیص اخلاقی، فرد را به زیست عقیقانه متعهد می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ۸: ۳۴۵). ایمان به‌عنوان مبنای نظری عفاف عمل می‌کند و با نهادینه‌سازی تعهد به ارزش‌های الهی، از رفتارهای ناپسند پیشگیری می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۷۹) برخلاف سایر مفاهیم که جنبه عملی یا فرآیندی دارند، ایمان به‌طور خاص بر بعد اعتقادی و رابطه وجودی با خداوند متمرکز است.

تقوا: سپر آگاهانه در برابر لغزش

تقوا به معنای پرهیز آگاهانه از گناه و رعایت مرزهای الهی، نقش کلیدی در زیست عقیقانه دارد. قرآن کریم در آیه ۱۰۲ سوره آل عمران تأکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»؛ از خدا آن‌گونه که شایسته است، پروا کنید. امام علی (ع) در حکمت ۴ نهج البلاغه می‌فرماید:

«الْعَجْزُ أَفْءٌ، وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ، وَ الزُّهْدُ ثَرَوْهٌ، وَ الْوَرَعُ جُنَّةٌ، وَ نِعَمَ الْقَرِينُ [الرِّضَا] الرِّضَى؛ و ناتوانی، آفت است و شکیبایی، دلیری است و زهد، توانگری است و پارسایی، چونان سپر است. بهترین هم‌نشین خشنودی است از خواست خداوند. ایشان در سومین جمله می‌فرماید: «وَالزُّهْدُ ثَرَوْهٌ»؛ زهد ثروت است. اشاره به اینکه انسان از ثروت آیا چیزی جز بی‌نیازی می‌خواهد و آدم زاهد قانع، از همه خلق بی‌نیاز است و چه بسا ثروتمندانی که جزء نیازمندان هستند؛ زهد همان بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا و مال و منال و شهرت و آوازه است. زاهد کسی نیست که فاقد این امور باشد بلکه زاهد کسی است که دل بسته و وابسته به این امور نباشد؛ خواه آن را داشته باشد یا نه! بلکه می‌توان گفت: زاهدان از ثروتمندان غنی‌ترند، چرا که ثروتمندان از یک سو باید پیوسته ثروت خود را حساب و کتاب کنند و از سوی دیگر مراقب باشند سارق و دشمنی آن را از دست آن‌ها نگیرد؛ در حالی که زاهدان از همه این‌ها بی‌نیازند. در حدیثی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم که خطاب به علی (ع) فرمود: «يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْهَا؛ زَيَّنَكَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا»؛ ای علی خداوند تو را به زینتی آراسته که هیچ بنده‌ای به زینتی بهتر از آن نزد خداوند آراسته نشده است تو را به زهد در دنیا آراسته است (مجلسی، ۱۳۸۶، ۷: ۲۹۷) و در حقیقت چنین است چون آراستگی به زهد انسان را به بسیاری از صفات دیگر از فضایل اخلاقی می‌آراید. به همین دلیل در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا... حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا»؛ تمام نیکی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن زهد در دنیا است؛ سپس فرمود: «حلاوت ایمان بر دل و جان شما حرام است تا زمانی که دل‌هایتان زهد در دنیا پیشه کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۲۸) تقوا همچون سپری اخلاقی، فرد را از انحرافات حفظ کرده و خودکنترلی را تقویت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۸۷: ۱۰). این مفهوم، برخلاف ایمان که انگیزه درونی فراهم می‌کند، بر نظارت عملی و پیشگیریانه تمرکز دارد. همچنین، در مقایسه با خویش‌داری که به کنترل لحظه‌ای غرایز محدود است،

تقوا رویکردی کلی‌تر و پایدارتر دارد (حق‌شناس، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

خویشتن‌داری: کنترل عملی غرایز

خویشتن‌داری به کنترل امیال و غرایز در چارچوب عقل و شرع اشاره دارد و مبنای عملی عفاف محسوب می‌شود. قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»؛ به مؤمنان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فروگیرند و عفت خود را حفظ کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعِفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ»؛ خویشتن‌داری، شهوت را ناتوان می‌کند (آمدی، ۱۳۷۵: ۱، ۱۵۲). خویشتن‌داری به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های مدرن، مانند رسانه‌های ترویج‌کننده لذت‌جویی، اهمیت دارد (قاضی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۶: ۹۲). این مفهوم در مقایسه با تقوا، محدود به موقعیت‌های خاص و کنترل رفتارهای لحظه‌ای است و برخلاف تهذیب نفس، به تحول درونی بلندمدت نمی‌پردازد؛ به عبارتی دقیق‌تر دین اسلام حکم حجاب را به‌عنوان حکمی تکلیفی و ضروری برای زنان وابسته به جامعه اسلامی تعیین کرده است؛ چراکه عفت و پاک‌دامنی به معنای چیرگی عقل و مدیریت مهارقوای شهوانی به‌دست‌آمده آن است. این حالت اگر به شکل ملکه‌ای در نفس انسانی درآید شخص در حالتی قرار می‌گیرد که به‌سادگی تهییج نشده قوای شهوانی او نمی‌تواند سرکشی کرده او را به‌سوی گناه سوق دهد (بهجت پور و بیغش، ۱۴۰۳: ۱۶۰).

تهذیب نفس: پالایش درونی برای تعادل اخلاقی: تهذیب نفس، فرآیند پالایش روح از رذایل و تقویت فضایل اخلاقی، مبنای نهایی زیست عقیقانه است. قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره فاطر: «مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»؛ و هر کس [از آلودگی‌ها] پاک شود به سود خود پاک می‌شود و بازگشت فقط به سوی خداست. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَجَوْهَرَةٌ ثَمِينَةٌ؛ مَنْ صَانَهَا رَفَعَهَا وَمَنِ ابْتَدَلَهَا وَضَعَهَا»؛ همانا نفس گوهری گران‌بها است، هر که آن را نگه داشت بلندمرتبه‌اش گردانید و هر که از آن نگهداری نکرد پست و خوارش ساخت. این حدیث نمادی زیبا از تهذیب نفس است. امام علی (ع) نفس انسان را همچون گوهر نایابی می‌شناسد که نیازمند مراقبت است. حفظ

و پالایش درونی نفس، موجب تعالی اخلاقی و تقویت شخصیت می‌شود؛ اما بی‌توجهی و پیروی از هوس‌های نفسانی، نفس را تنزل داده و انسان را به سقوط اخلاقی و روانی می‌کشاند (آمدی، ۱۳۷۵ق، ۱: ۲۲۷). بر اهمیت تزکیه تأکید دارد تهذیب نفس با پرورش فضائل مانند حیا و صبر، فرد را در برابر فشارهای فرهنگی مقاوم می‌سازد (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۰: ۲۷۰). این مفهوم، برخلاف خویشتن‌داری که به کنترل مقطعی رفتارها می‌پردازد، فرآیندی درازمدت و تحول‌آفرین است و نتیجه عملی خودشناسی محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۹۹: ۴۸).

نقاط هم‌پوشانی و تمایزهای مبانی عفاف: این مفاهیم در راستای زیست عقیفانه هم‌افزایی دارند، اما از نظر سطح و دامنه عمل متفاوت‌اند. ایمان و تقوا به ترتیب انگیزه اعتقادی و نظارت عملی فراهم می‌کنند، درحالی‌که خویشتن‌داری به کنترل لحظه‌ای رفتارها محدود است. خودشناسی آگاهی درونی ایجاد می‌کند و تهذیب نفس این آگاهی را به تحول اخلاقی تبدیل می‌کند. ایمان به‌عنوان پایه اعتقادی، تقوا به‌عنوان سپر عملی، خویشتن‌داری به‌عنوان ابزار رفتاری، خودشناسی به‌عنوان آگاهی درونی و تهذیب نفس به‌عنوان فرآیند تحول اخلاقی، هر یک نقش مکمل در زیست عقیفانه دارند. تمایز این مفاهیم امکان تحلیل دقیق‌تر و کاربردی‌تر عفاف را در چارچوب‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی فراهم می‌کند. برای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود کارکردهای این مفاهیم در زمینه‌های اجتماعی و فردی با رویکردهای میان‌رشته‌ای بررسی شود. جدول ۱ خلاصه‌ای از تمایزها را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: خلاصه تمایزهای مبانی عفاف

مفهوم	سطح عمل	دامنه کاربرد	نقش در زیست عقیفانه	تحلیل تبیینی
ایمان	اعتقادی	رابطه با خدا	انگیزه درونی و تعهد به ارزش‌های الهی	ایمان زیربنای سایر مبانی عفاف است؛ چراکه بدون باور قلبی به خداوند و آخرت، انگیزه‌ای برای خویشتن‌داری و تهذیب باقی نمی‌ماند. ایمان، ریشه درونی اخلاقی دینی است.

مفهوم	سطح عمل	دامنه کاربرد	نقش در زیست عقیقانه	تحلیل تبیینی
تقوا	عملی پیشگیرانه	نظارت بر رفتار	پرهیز آگاهانه و پیشگیری از انحرافات	تقوا با فراهم آوردن خودآگاهی رفتاری، امکان مدیریت مستمر رفتار را فراهم می‌سازد. برخلاف خویش‌داری که مقطعی است، تقوا یک سامانه کنترلی پایدار درونی تلقی می‌شود.
خویش‌داری	عملی مقطعی	کنترل غرایز در موقعیت‌های خاص	مدیریت رفتارهای لحظه‌ای	خویش‌داری ظرفیت واکنشی عفاف است؛ برخلاف تقوا که نظام‌مند و پایدار است، خویش‌داری در لحظات خاص بروز می‌کند و نیازمند تمرین و آمادگی لحظه‌ای و آگاهی موقعیتی است.
خودشناسی	شناختی	آگاهی از ضعف‌ها و توانایی‌ها	مقدمه اصلاح نفس	خودشناسی، بستر خودآگاهی اخلاقی را فراهم می‌کند و اساس پذیرش مسئولیت فردی است. فرد بدون خودشناسی، نمی‌تواند منشأ خطاها را درک کند یا تصمیم به اصلاح بگیرد.
تهذیب نفس	فرآیندی درازمدت	بالایش روح و تقویت فضایل	تحول درونی و تعادل اخلاقی	تهذیب نفس وجه نهایی و ترکیبی عفاف است؛ نقطه تلاقی ایمان، تقوا و خودشناسی است که به‌مرور زمان، منش اخلاقی پایدار ایجاد می‌کند. این مبنا در سطح نهادینه‌سازی عمل می‌کند.

۵. کارکردهای فردی و اجتماعی عفاف

عفاف به‌عنوان ارزشی چندبعدی در نظام اخلاقی اسلام، از طریق مبانی خویش‌داری، تقوا و تهذیب نفس، تأثیرات عمیقی بر فرد و جامعه بر جای می‌گذارد. کارکردهای فردی به تأثیرات این ارزش بر سلامت روان، رفتار و رشد شخصی اشاره دارند، درحالی‌که کارکردهای اجتماعی نقش آن در انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و کاهش آسیب‌ها را نشان می‌دهند (باقری، ۱۳۹۸: ۱۲۰). این بخش با تکیه بر منابع معتبر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی فارسی، کارکردهای فردی و اجتماعی عفاف را با تمرکز بر سه مبنای کلیدی آن تحلیل می‌کند.

کارکرد فردی شامل تأثیرات یک ارزش بر سلامت روان، خودتنظیمی و تعادل عاطفی فرد است (نصرتی، ۱۴۵: ۱۳۹۷). کارکرد اجتماعی به نقش یک ارزش در تقویت روابط بین‌فردی، انسجام اجتماعی و کاهش ناهنجاری‌ها اشاره دارد

(شریفی، ۱۳۹۶: ۶۷). عفاف، به دلیل ماهیت چندوجهی خود، کارکردهای فردی و اجتماعی را به صورت توأمان ایجاد می کند، به گونه ای که بهبود سلامت روان افراد به تقویت انسجام اجتماعی منجر می شود (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۲).

الف) کارکردهای فردی

تقویت سلامت روان از طریق خویشن داری: خویشن داری، به عنوان کنترل امیال در چارچوب عقل و شرع، نقش مهمی در سلامت روان ایفا می کند. قرآن کریم در سوره نور بر حفظ عفت از طریق فروستن نگاه تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). از منظر روان شناسی، خودکنترلی با کاهش تعارضات درونی و احساس گناه، به تقویت عزت نفس و کاهش اضطراب کمک می کند (نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۴۸). برای مثال افرادی که خویشن داری را در مواجهه با محرک های لذت جویان تمرین می کنند، کمتر دچار استرس روانی ناشی از رفتارهای ناسالم می شوند (فراهانی، ۱۳۹۹: ۲۷۴).

تعادل عاطفی از طریق تقوا: تقوا، به عنوان پرهیز آگاهانه از گناه، به تعادل عاطفی و کاهش رفتارهای تکانشی منجر می شود. قرآن کریم در سوره آل عمران بر پروای الهی تأکید می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۱۰). از دیدگاه روان شناسی، تقوا با تقویت خودآگاهی و خود نظارتی، به افراد کمک می کند تا در برابر فشارهای عاطفی مقاوم تر باشند (گنجی، ۱۴۰۰: ۳۲۵). این ویژگی به ویژه در مواجهه با چالش های مدرن، مانند تأثیر رسانه های اجتماعی بر رفتارهای غیراخلاقی، به حفظ سلامت روان کمک می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

حجاب مانند دیگر احکام اسلام به عنوان نشانه ای از یک مکتب و ایدئولوژی به زنان با حجاب احساس ارزشمندی می دهد و تبرج و بدحجابی نشانه کمبود کرامت نفس یا همان عزت نفس است. برخی پژوهشگران بر این باورند که ریشه تبرج و بدحجابی احساس خلأ و کمبود عاطفی است و افراط در تبرج و خودنمایی عامل حقارت و تشدیدکننده آن است (واعظی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷).

رشد شخصی از طریق تهذیب نفس: تهذیب نفس، فرآیند پالایش روح از رذایل و تقویت فضایل، به رشد شخصی و خودسازی منجر می‌شود. قرآن کریم در سوره شمس بر اهمیت تزکیه نفس تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۱۲). از منظر روان‌شناسی، تهذیب نفس با پرورش ویژگی‌هایی مانند صبر و حیا، به افزایش خودکارآمدی و حس معنای زندگی کمک می‌کند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۱). این فرآیند افراد را قادر می‌سازد تا با اصلاح درونی، به سطح بالاتری از کمال روانی دست یابند (احمدی، ۱۳۹۹: ۴۸).

ب) کارکردهای اجتماعی

پایداری خانوادگی از طریق خویشن داری: خویشن داری با تحکیم روابط زناشویی و کاهش رفتارهای ناسالم، به پایداری خانواده کمک می‌کند. قرآن کریم در سوره نور، رعایت حدود الهی را عاملی برای حفظ عفت خانوادگی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). از منظر جامعه‌شناسی، خودکنترلی در روابط، اعتماد و تعهد بین همسران را تقویت کرده و از آسیب‌هایی مانند خیانت و طلاق پیشگیری می‌کند (باقری، ۱۳۹۸: ۸۹). مطالعات نشان می‌دهند که خانواده‌هایی با ارزش‌های عقیفانه، نرخ پایین‌تری از فروپاشی دارند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۸).

انسجام اجتماعی از طریق تقوا: تقوا با ایجاد مرزهای روشن رفتاری، انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی را ارتقا می‌دهد. قرآن کریم در سوره احزاب، رعایت پوشش را عاملی برای پیشگیری از آزار اجتماعی معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۴۵). از دیدگاه جامعه‌شناسی، تقوا به عنوان یک هنجار اخلاقی، سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و احساس امنیت را در جامعه افزایش می‌دهد (شریفی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). این ویژگی به کاهش ناهنجاری‌هایی مانند مزاحمت‌های خیابانی و جرائم اخلاقی کمک می‌کند (قربانیان و فشارکی، ۱۳۹۴: ۳۵).

کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق تهذیب نفس: تهذیب نفس با پرورش فضایل اخلاقی، به کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند فساد اخلاقی و

رفتارهای ضداجتماعی منجر می‌شود. روایات اسلامی، تهذیب نفس را راهی برای زیست عقیقانه معرفی کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۷۰: ۸). از منظر جامعه‌شناسی، افرادی که به پالایش درونی می‌پردازند، کمتر به رفتارهای ناهنجار تمایل دارند که این امر به کاهش جرائم و تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کند (رجبی، ۱۳۹۷: ۷۲) این کارکرد به‌ویژه در جوامع مدرن با چالش‌های فرهنگی پررنگ‌تر است (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۵).

از منظر روان‌شناسی، خویش‌داری، تقوا و تهذیب نفس به ترتیب با خودکنترلی، خودآگاهی و رشد شخصی مرتبط‌اند و به سلامت روان و تعادل عاطفی کمک می‌کنند (نصرتی، ۱۳۹۷: ۱۴۵؛ شریفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۱). از دیدگاه جامعه‌شناسی، این مفاهیم با تقویت سرمایه اجتماعی، هنجارهای اخلاقی و انسجام اجتماعی، به کاهش آسیب‌ها و پایداری نهادهای اجتماعی مانند خانواده کمک می‌کنند (باقری، ۱۳۹۸: ۸۹؛ شریفی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). این کارکردها نشان‌دهنده پیوند عمیق بین ابعاد فردی و اجتماعی عفاف است، به گونه‌ای که بهبود سلامت روان افراد به تقویت انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

کارکردهای فردی و اجتماعی عفاف، از طریق خویش‌داری، تقوا و تهذیب نفس، نقش این ارزش را در ارتقای سلامت روان، تعادل عاطفی، رشد شخصی، پایداری خانوادگی، انسجام اجتماعی و کاهش آسیب‌های اخلاقی برجسته می‌کنند. این تحلیل میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که عفاف نه تنها به بهبود کیفیت زندگی فردی کمک می‌کند، بلکه به عنوان یک هنجار اخلاقی، بنیان‌های جامعه را تقویت می‌کند. پژوهش‌های آتی می‌توانند تأثیر این کارکردها را در زمینه‌های خاص، مانند تأثیر رسانه‌های اجتماعی یا سیاست‌گذاری اجتماعی، بررسی کنند.

جدول شماره ۲ کارکردهای فردی و اجتماعی عفاف

شرح کارکرد	بعد کارکرد	مبنای اخلاقی	سطح کارکرد
کاهش اضطراب، تعارض درونی و ارتقای عزت نفس با کنترل امیال و رفتار	سلامت روان	خویشترداری	فردی
پرهیز از رفتارهای تکانشی، افزایش خودآگاهی و کاهش تأثیرات منفی عاطفی	تعادل عاطفی	تقوا	فردی
پرورش فضایل اخلاقی مانند حیا و صبر و دستیابی به خودسازی معنوی	رشد شخصی	تهذیب نفس	فردی
تقویت روابط زناشویی، افزایش وفاداری و کاهش نرخ طلاق و خیانت	پایداری خانوادگی	خویشترداری	اجتماعی
ایجاد مرزهای رفتاری روشن، افزایش اعتماد عمومی و امنیت اجتماعی	انسجام اجتماعی	تقوا	اجتماعی
پیشگیری از فساد اخلاقی و جرائم رفتاری از طریق اصلاح درونی	کاهش آسیب‌های اجتماعی	تهذیب نفس	اجتماعی

۶. نتیجه‌گیری

- زیست عقیفانه در آموزه‌های قرآن و روایات، الگویی چندلایه برای زیست اخلاق محور معرفی می‌شود که نه تنها بر پاک‌دامنی جنسی بلکه بر خودکنترلی، آگاهی اخلاقی، حفظ کرامت انسانی و انسجام اجتماعی تأکید دارد. تحلیل آیات با رویکرد معناشناختی در این پژوهش نشان داد که مفاهیم «ایمان»، «تقوا»، «خویشترداری»، «خودشناسی» و «تهذیب نفس» به عنوان مبانی کلیدی عفاف در قرآن، چارچوبی منسجم برای ارتقای رفتار فردی و تنظیم روابط اجتماعی فراهم می‌کنند.

- در سطح فردی، یافته‌ها نشان دادند که زیست عقیفانه به تقویت خودکنترلی، کاهش تعارضات درونی، ارتقای عزت نفس و پرورش فضایل اخلاقی همچون حیا، صبر و خودکارآمدی منجر می‌شود. این سبک زندگی، عاملی پیشگیرانه

در برابر تأثیرات منفی رسانه‌ها، گرایش‌های لذت‌جویانه و بحران هویت نسل جوان محسوب می‌شود.

- در سطح اجتماعی، عفاف نقش مهمی در تقویت انسجام خانوادگی، افزایش اعتماد بین‌فردی و کاهش آسیب‌های اخلاقی دارد. با ایجاد مرزهای رفتاری و تقویت هنجارهای ارزشی، زمینه برای سلامت اجتماعی و امنیت فرهنگی فراهم می‌گردد به‌ویژه در جوامع اسلامی که بانفوذ ارزش‌های غیربومی مواجه‌اند، زیست عقیفانه می‌تواند نقش هویتی و تمدن‌ساز ایفا کند.

- برای تحقق این الگو، راهکارهایی مانند آموزش ارزش‌های اخلاقی از سنین پایین، ترویج محتوای رسانه‌ای مبتنی بر عفاف، تسهیل ازدواج جوانان و تقویت فضاهای دیالوگ دینی پیشنهاد می‌شود. نقش نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی در این زمینه حیاتی است و می‌توانند با برنامه‌ریزی هدفمند، زمینه‌ساز نهادینه‌سازی عفاف در جامعه باشند.

- درنهایت، زیست عقیفانه نه تنها به رشد معنوی و روانی افراد کمک می‌کند، بلکه با کاهش انحرافات اجتماعی، حفظ بنیان خانواده و تقویت سرمایه اجتماعی، نقش راهبردی در توسعه پایدار فرهنگی ایفا می‌نماید. این پژوهش بر ضرورت پرداخت علمی و کاربردی به مفهوم عفاف تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده، تأثیر این الگو در حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، آموزش عمومی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌طور اختصاصی بررسی گردد.

منابع

*قرآن کریم.

- ابن منظور محمد. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. (ج ۱۱). بیروت: دارصادر
- ابن منظور محمد. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. (ج ۱۲). بیروت: دارصادر
- احمدی سلمانی، سید حمید. (۱۳۹۹). تأثیر زیست عقیقانه بر سلامت روان جوانان. *نشریه روان‌شناسی اسلامی*. ۱۲(۳). صص ۴۵-۶۰.
- احمدی، محمد. (۱۳۹۹). *اخلاق اسلامی و خودسازی*. تهران: انتشارات معارف.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد. (۱۳۷۵ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. (ج ۱). قم: دارالکتب الإسلامية.
- بهجت پور، عبدالکریم؛ احمدی بیغش، خدیجه. (۱۴۰۳). «سیاست‌گذاری‌های قرآن کریم در جامعه‌پذیری عفاف و حجاب». *قرآن و علوم اجتماعی*. ۴(۴). (صص ۱۷۵-۲۲۰). Doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/۱۰/۲۰۲۴/۲۱۶۷۶۳.arq
- تگنی، آلیسون؛ بامایستر، روی؛ بون، جک. (۲۰۰۴م). *خودکنترلی و سلامت روان*. مجله شخصیت. ۷۲(۲). صص ۲۷۱-۳۲۴.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. (ج ۱۰). قم: انتشارات اسراء.
- چگینی، محمد. (۱۳۹۸). *نقش تربیت دینی در نهادهای سازی زیست عقیقانه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- حسینی، سید علی. (۱۴۰۱). «نقش زیست عقیقانه در کاهش آسیب‌های اجتماعی». *مجله مطالعات اسلامی*. ۱۵(۲). صص ۷۸-۹۵.
- حق‌شناس، جمال. (۱۳۸۶). *حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات*. *فصلنامه مطالعات قرآنی*. ۸(۴). صص ۱۱۲-۱۳۰.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۰). *نهج البلاغه: ترجمه و شرح*. قم: انتشارات مشرقین.
- رجبی، محمد. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*. تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، صادق و امینی، ایمان و فخاریان، فاطمه و کرمی، شهریار احسان. (۱۴۰۱). «نقش تربیتی خانواده در حجاب دختران بر اساس آیات و روایات». *مجله تربیت اسلامی*. ۱۰(۲). صص ۵۵-۷۰.
- صبوری، محمدحسین. (۱۳۹۸). *نقش خانواده در ترویج زیست عقیقانه*. *نشریه مطالعات خانواده*. ۱۷(۱). صص ۲۲-۳۸.
- شریفی، اصغر. (۱۳۹۶). *سرمایه اجتماعی و توسعه*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- شریفی، اصغر، و باقرزاده وشکی، زمان. (۱۳۹۸). *روان‌شناسی مثبت و رشد شخصی*. تهران: انتشارات ارجمند.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۲). *تفسیر المیزان*. (ج ۲۰، ۱۲، ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عباسی، داوود. (۱۳۹۵). *تکلیف اخلاقی از منظر قرآن در مقایسه با دیدگاه کانت*. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فراهمانی، مصطفی. (۱۳۹۹). *روان‌شناسی سلامت*. تهران: انتشارات رشد.

- قاضی زاده، کریم، و احمدی، علی. (۱۳۸۶). «عفاف در آیات قرآن با نگاهی به روایات». *مجله علوم قرآنی*. ۹(۳). صص ۸۸-۱۰۵.
- قربانیان، مرتضی و فشارکی، سعید. (۱۳۹۴). انگیزه‌های خودمراقبتی از منظر آیات و روایات. *نشریه سلامت و دین*. ۶(۲). صص ۳۳-۵۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. (ج ۲). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گنجی، حسن. (۱۴۰۰). *روان‌شناسی عمومی*. تهران: انتشارات ساوالان.
- لیوینگستون، سونیا؛ هلپر، ال. (۲۰۰۷ م). *گرایش‌های شمول دیجیتال: کودکان، جوانان و شکاف دیجیتال، رسانه های جدید و جامعه*.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *بحارالانوار*. (ج ۸، ۷). قم: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۴۲). *مسئله حجاب*. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). *تفسیر نمونه*. (ج ۳، ۱۴، ۱۷ و ۲۶). قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). *اخلاق در قرآن*. ج ۳. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۰). *خودشناسی برای خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موسوی، سید ابوالفضل؛ مهرشاد، محمد؛ اخلاقی فیض آباد، سید هاشم؛ شهیدی مقدم، حمید. (۱۴۰۰). «زیست عقیقانه و سلامت اجتماعی». *نشریه مطالعات اجتماعی اسلامی*. ۱۳(۴). صص ۱۰۲-۱۲۰.
- واعظی، محمود، نبوی، سیدمجید؛ کمالی، لیلا. (۱۴۰۰). «بررسی راهکارهای درمان هیستریک از منظر قرآن و روانشناسی». *قرآن و علوم اجتماعی*. ۱(۱). صص ۹-۲۶. Doi: ۱۰.۲۲۰۶۴/۲۰۲۱/۱۳۸۶۱۷.arq
- نصرتی، رؤیا. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی خودکنترلی*. تهران: انتشارات ارجمند.
- نوروزی، علی. (۱۳۹۹). *روان‌شناسی اخلاق در اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
- هاشمی، فرزانه. (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی خانواده و ارزش‌های اسلامی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Livingstone, Sonia; Helsper, Ellen. (2007). Gradations in digital inclusion: Children, young people and the digital divide. *New Media & Society*, 9(4). pp 671-696.
- Tangney, June P.; Baumeister, Roy F.; Boone, Andrea L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*. 72(2). pp 271-324.

References:

Holy Qur'an

- ‘Abbāsī, Dāwūd. (2016). *Taklīf-i Akhlāqī az Manzar-i Qur'an dar Muqāyiseh bā Didgāh-i Kānt*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy Press.
- Aḥmadī Salmānī, Sayyid Ḥamid. (2020). “Tāthīr-i Zīst-i ‘Afīfāneh bar Salāmat-i Ravān-i Javānān”. *Ravān-shināsī-i Islāmī Journal*, 12(3), pp. 45–60.
- Aḥmadī, Muḥammad. (2020). *Akhlāq-i Islāmī va Khud-sāzī*. Tehran: Ma‘arif Publications.
- Āmidī, ‘Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad ibn ‘Abd al-Wāḥid. (1995). *Ghurur al-Ḥikam wa Durar al-Kalim*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Bahjatpūr, ‘Abd al-Karīm; Aḥmadī Bīghash, Khadījah. (2024). “Siyāsāt-gozārī-hā-i Qur'an al-Karīm dar Jāmi‘eh-pazīrī-i ‘Afāf va Ḥijāb”. *Qur'an va ‘Ulūm-i Ijtimā‘ī Journal*, 4(4), pp. 142–170. DOI: 10.22034/arq.2024.216763.
- Bāqirī, Khosrow. (2019). *Jāmi‘eh-shināsī-i Arzish-hā*. Tehran: University of Tehran Press.
- Chegīnī, Muḥammad. (2019). *Naqsh-i Tarbiyat-i Dīnī dar Nahādīneh-sāzī-i Zīst-i ‘Afīfāneh*. Master’s Thesis, University of Qom.
- Dashtī, Muḥammad. (2001). *Nahj al-Balāghah: Tarjumeḥ va Sharḥ*. Qom: Mashriqīn Publications.
- Farahani, Mostafa. (2020). *Ravān-shināsī-i Salāmat*. Tehran: Roshd Publications.
- Ganjī, Ḥasan. (2021). *Ravān-shināsī-e ‘Umūmī*. Tehran: Savalan Publications.
- Ḥaq-shinās, Jamāl. (2007). “Ḥijāb dar Āyāt-i Qur'an bā Nigāhī bih Rivayāt”. *Moṭāla‘āt-i Qur'ānī Quarterly*, 8(4), pp. 112–130.
- Hāshimī, Farzāneh. (2021). *Jāmi‘eh-shināsī-e Khānuvādeh va Arzish-hā-e Islāmī*. Tehran: University of Tehran Press.
- Ḥusaynī, Sayyid ‘Alī. (2022). “Naqsh-i Zīst-i ‘Afīfāneh dar Kāhish-i Āsīb-hā-i Ijtimā‘ī”. *Moṭāla‘āt-i Islāmī Journal*, 15(2), pp. 78–95.
- Ibn Manzūr, Muḥammad. (1994). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Sādir.
- Javadi Amoli, ‘Abd Allah. (2010). *Tafsīr-i Tasnīm*. Qom: Isrā Publications.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. (1987). *al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Livingstone, Sonia, & Helsper, Ellen. (2007). *Girāyish-hā-i Shumūl-i Dījītāl: Kudakān, Javānān va Shikāf-i Dījītāl*, *Rasānehā-i Jadīd va Jāmi‘eh*.
- Livingstone, Sonia; Helsper, Ellen. (2007). *Gradations in digital inclusion: Children, young people and the digital divide*. *New Media & Society*, 9(4), pp. 671–696.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. (2007). *Bihār al-Anwār*. Qom: Dār Iḥyā‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (2006). *Tafsīr-i Nemūneh*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (2008). *Akhlāq dar Qur'an*. Qom: Madraseh-i Imam ‘Alī ibn Abī Ṭālib Publications.
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī. (2011). *Khud-shināsī barā-yi Khud-sāzī*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mūsavī, Sayyid Abū‘l-Fazl; Mehrshād, Muḥammad; Akhlāqī Feyd Ābād, Sayyid Hāshim; Shahīdī Muqaddam, Ḥamid. (2021). “Zīst-i ‘Afīfāneh va Salāmat-i Ijtimā‘ī”. *Journal of Moṭāla‘āt-i Ijtimā‘ī-i Islāmī*, 13(4), pp. 102–120.
- Mutahhari, Morteza. (1963). *Mas‘aleh-i Ḥijāb*. Tehran: Sadra Publications.
- Noṣratī, Ru‘yā. (2018). *Ravān-shināsī-e Khud-kontorolī*. Tehran: Arjomand Publications.
- Nowrūzī, ‘Alī. (2020). *Ravān-shināsī-e Akhlāq dar Islām*. Tehran: SAMT Publications.
- Qāzī-zādeh, Karīm, & Aḥmadī, ‘Alī. (2007). “‘Ifāf dar Āyāt-i Qur'an bā Nigāhī bi Rivayāt”. *Journal of Qur'ānic Sciences*, 9(3), pp. 88–105.
- Qorbānīyān, Morteza, & Feshārakī, Sa‘īd. (2015). *Angīzeh-hā-e Khud-murāqibatī az Manzar Āyāt va Rivayāt*. *Journal of Salāmat va Dīn*, 6(2), pp. 33–50.

- Rajabī, Muḥammad. (2018). *Jāmi'eh-shināsī-i Inḥirāfāt-i Ijtimā'ī*. Tehran: SAMT Publications.
- Rizaeī, Šādiq; Amīnī, Īmān; Fakhārīyān, Fāṭimeh; Karamī, Shahriyār Iḥsān. (2022). "Naqsh-i Tarbiyatī-i Khānuvādeh dar Ḥijāb-i Dokhtarān bar Asās-i Āyāt va Rivayāt". *Tarbiyat-i Islāmī Journal*, 10(2), pp. 55–70.
- Šabūrī, Muḥammad-Ḥusayn. (2019). "Naqsh-i Khānuvādeh dar Tarvij-i Zīst-i 'Afifāneh". *Moṭāla'āt-i Khānuvādeh Journal*, 7(1), pp. 22–38.
- Sharifi, Aşghar. (2017). *Sarmāyeh-i Ijtimā'ī va Tawsi'eh*. Tehran: Jāmi'eh-shināsān Publications.
- Sharifi, Aşghar; Bāqirzādeh Vashkī, Zamān. (2019). *Ravān-shināsī-i Musbat va Rushd-i Shakhshī*. Tehran: Arjmand Publications.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad-Ḥusayn. (1993). *Tafsīr al-Mīzān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Tangney, Allison; Baumeister, Roy; Boone, Jack. (2004). "Khud-kontrolī va Salāmat-i Ravān." *Journal of Shakhshīyyat*, 72(2), pp. 271–324.
- Tangney, June P.; Baumeister, Roy F.; Boone, Andrea L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*. 72(2). pp. 271–324.
- Wā'izī, Maḥmūd; Nabavī, Sayyid Majīd; Kamālī, Leylā. (2021). "Barresī-e Rāhkarhā-e Darman-i Hiṣṭrik az Manzar-i Qur'ān va Ravān-shināsī". *Journal of Qur'ān va 'Ulūm-i Ijtimā'ī*, 1(1), pp. 9–26. DOI: 10.22064/arq.2021.138617.



| Extended Abstract |

The Foundations of Chastity in the Qur'an and Ḥadīth: With an Emphasis on Its Individual and Social Functions

Razieh Sadeghi, Fatimeh Dašt Ranj, Ali Hasan beygi

Research Objective: This research seeks to elucidate the Qur'anic and ḥadīth-based foundations of chastity and to examine its functions at both the individual and social levels. Chastity, as one of the fundamental values in the Islamic moral system, plays a pivotal role in preserving human dignity and regulating social relations. The present research seeks to answer the essential question: What are the Qur'anic and narrative foundations of chastity, and how can these foundations influence individual and social life? The subsidiary objectives of the study include: (1) analyzing the foundations of chastity in religious texts, (2) identifying its individual functions in strengthening mental health, and (3) examining the social effects of chastity in reducing moral harms.

Research Methodology: This study is qualitative in nature and has been conducted using a descriptive-analytical method. Data were collected from library sources, including verses of the Holy Qur'an, authoritative exegetical sources (such as al-Mīzān, al-Nemūneh, and Tasnīm), and narrative texts. Content analysis was employed to examine the verses and narrations related to chastity. In this process, key verses were extracted and analyzed with the aid of the exegeses and narrations in order to present a coherent framework of the foundations and functions of chastity. This method provides a deeper understanding of the position of chastity in the Qur'an and narrations, as well as its role in individual and social life.

Findings: The study identifies five key foundations of chastity in the Qur'an and narrations:

1. **Faith (īmān):** as the doctrinal basis generating inner motivation for observing divine boundaries.
2. **Piety (taqwā):** as a moral shield protecting the individual from deviation.
3. **Self-restraint:** as the practical regulation of desires and instincts within the framework of Sharī'ah.
4. **Self-knowledge:** as awareness of one's weaknesses and capacities for self-reform.
5. **Self-purification (tahdhīb al-nafs):** as the refinement of the soul and cultivation of moral virtues.

These foundations operate on both the individual and social levels:

Individual functions:

- **Mental health:** self-restraint reduces anxiety and inner conflict, thereby strengthening self-esteem.
- **Emotional balance:** piety increases self-awareness and diminishes impulsive behaviors.

- Personal growth: self-purification nurtures virtues such as modesty and patience, fostering self-discipline and spiritual elevation.

Social functions:

- Family stability: self-restraint promotes loyalty and trust, thereby preventing harms such as divorce.
- Social cohesion: piety establishes clear behavioral boundaries, enhancing public trust and social security.
- Reduction of social harms: self-purification curtails moral corruption and crime, contributing to societal well-being.

Conclusion: Chastity is presented in the Qur'an and narrations as a multidimensional model that contributes both to individual development and social cohesion. This study demonstrates that the foundations of chastity—including faith, piety, self-purification, self-restraint, and self-knowledge—provide a comprehensive framework for addressing moral and cultural challenges in contemporary societies. At the individual level, the findings show that living chastely enhances self-esteem and fosters moral virtues. At the social level, chastity plays a significant role in strengthening family cohesion and reducing moral harms. To realize a chaste lifestyle, strategies such as instilling moral values from an early age, promoting chastity-based media content, and reinforcing the family institution are recommended. This study underscores the necessity of considering chastity as an educational and social strategy and suggests that future research should investigate the impact of this concept on cultural policymaking and the prevention of social harms.

Keywords: Foundations of Chastity; Qur'an and Hadith; Faith; God-consciousness (Taqwā); Self-Knowledge; Self-Restraint; Self-Purification